

## بررسی قوانین و سیاست‌های مرتبط با بنگاه‌های اجتماعی در چند کشور منتخب

میلاذ جلالوند<sup>۱</sup>

### چکیده

بنگاه‌های اجتماعی کسب‌وکارهایی‌اند که هدف اصلی تأسیس آن‌ها برطرف کردن مشکلات اجتماعی است. آنچه بنگاه‌های اجتماعی انجام می‌دهند، عملاً با بخشی از وظایف دولت‌ها همپوشانی دارد و طبیعتاً مزایایی برای جامعه خواهند داشت. در کنار این مزایا، چالش‌های فراوانی درباره این بنگاه‌ها وجود دارد. دولت‌ها برای حمایت و کنترل این بنگاه‌ها، مجموعه‌ای از قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌ها را تنظیم می‌کنند. دریافت این مهم که با توجه به ساختار حقوقی موجود کشور ما چه برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانینی برای حل این چالش‌ها مورد نیاز است سؤالی مهم است که پاسخ به آن، نیازمند پژوهش‌های عمیق است. در این مقاله سعی بر آن بوده است که ساختار حقوقی بنگاه‌های اجتماعی و همچنین، برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین مرتبط با آن در کشورهای دیگر بررسی شوند. بدیهی است قوانین و برنامه‌های بررسی شده، عیناً و بدون در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی کشورمان استفاده نخواهند شد. این برنامه‌ها و قوانین صرفاً برای آشنایی مخاطبان با اقدامات و برنامه‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف صورت گرفته شده است.

واژگان کلیدی: بنگاه‌های اجتماعی، کسب‌وکار اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، قوانین حمایتی، ساختار حقوقی.

### مقدمه

بنگاه‌های اجتماعی در برطرف کردن مشکلات اجتماعی، در مقایسه با سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی مزایایی دارند. همان‌طور که در ادامه مقاله خواهد آمد، می‌توان گفت برطرف کردن مشکلات اجتماعی، کارآمدتر از دولت‌ها، خلاقانه‌تر و پایدارتر از سازمان‌های غیرانتفاعی و سخاوتمندانه‌تر و با تمرکز بیشتر در قیاس با سازمان‌های تجاری از مزایای بنگاه‌های اجتماعی است.

بنگاه‌های اجتماعی، عموماً برخی وظایف دولت‌ها را به عهده می‌گیرند. طبیعی است که دولت‌ها برای تشویق، توسعه و البته پایداری این بنگاه‌ها باید مجموعه‌ای از حمایت‌ها برای آن‌ها در

معانی بنگاه اجتماعی متنوع است، ولی در ساده‌ترین تعریف آن «کسب‌وکاری» است که خود را وقف تحقق مأموریتی اجتماعی کرده است یا برای کمک مالی به تحقق مأموریتی اجتماعی، به کسب درآمد می‌پردازد. «بنگاه اجتماعی» کسب‌وکاری است که هدف اصلی آن ایجاد «منافع مشترک» است. آن‌ها روش‌ها و رویکردهای تجاری و قدرت بازار را برای پیشبرد برنامه‌های عدالت اجتماعی، زیست‌محیطی و انسانی خود به کار می‌برند. بنابراین، بنگاه اجتماعی یک سازمان اقتصادی - اجتماعی است که رویکردهای تجاری را به‌منزله ابزاری برای تأمین منافع مشترک و نه منفعت فردی به کار می‌گیرد.

اجتماعی، بهبود اوضاع جامعه و معیشت مردم، یا حفظ محیط‌زیست به تجارت می‌پردازند. آن‌ها از طریق فروش کالا و یا خدمات در بازار آزاد، درآمدزایی می‌کنند، اما برخلاف کسب‌وکارهای رایج، سود حاصل به صاحب کسب‌وکار یا عده‌ای محدود سهام‌دار نمی‌رسد، بلکه آن‌ها سود حاصل را مجدداً در همان بنگاه اجتماعی یا بخش‌های اجتماعی دیگر (یا در جوامع محلی) سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین، زمانی که آن‌ها سود می‌کنند، جامعه سود کرده است. تعریف قبل به صورت ضمنی اشاره می‌کند که تمام سود در بنگاه اجتماعی یا در یک بخش اجتماعی دیگر سرمایه‌گذاری می‌شود و سودی نصیب سهام‌داران نمی‌شود (Carter, 2008).

کیم آلتز<sup>۱</sup> سازمان‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرده است: سازمان‌های صرفاً تجاری، خیریه‌ها و سازمان‌های ترکیبی. دلیل اصلی شکل‌گیری ساختارهای ترکیبی، تمایل سازمان‌های غیرانتفاعی به گسترش دامنه اثرگذاری فعالیت‌های خود و ایجاد تنوع در روش‌های تأمین منابع مورد نیازشان مطرح شده است. برخی خصوصیات این سازمان‌ها را در جدول ۱ می‌توان مشاهده کرد.

همچنین ساختارهای ترکیبی بر اساس انگیزه فعالیت، پاسخ‌گویی و نحوه استفاده از درآمد، به چهار دسته تقسیم می‌شوند. همه اقسام سازمان‌های ترکیبی، ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی خلق می‌کنند و یکی از آن چهار دسته، بنگاه‌های اجتماعی‌اند. در جدول ۲ گستره سازمان‌های ترکیبی و خصوصیات مهم آن‌ها قابل مشاهده است.

نظر بگیرند. از طرفی، علاوه بر حمایت‌ها به مجموعه‌ای از قوانین نیز برای کنترل آن‌ها نیاز است. بدیهی است در صورت نبود قوانین و برنامه‌های لازم، چالش‌های فراوانی درباره این بنگاه‌ها پدید خواهد آمد؛ اما اینکه با توجه به ساختار کشور ما، دولت با چه برنامه‌ها و سیاست‌ها و قوانینی می‌تواند از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کند سؤال مهم است که باید پژوهش‌های عمیقی برای پاسخ به آن انجام شود. در این مقاله، قوانین و برنامه‌های کشوری که ساختار حقوقی رسمی در این موضوع دارند بررسی شده است. بدیهی است که قوانین و برنامه‌های مورد بررسی عیناً و بدون در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی کشور قابل استفاده نخواهند بود. این برنامه‌ها و قوانین صرفاً برای آشنایی مخاطبان با اقدامات و برنامه‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف آورده شده‌اند.

در ادامه به بررسی دو موضوع پرداخته خواهد شد؛ در بخش اول تعاریف و ویژگی‌های بنگاه اجتماعی بررسی خواهد شد. در بخش دوم، قوانین و برنامه‌های برخی از کشورهایی که برای بنگاه‌های اجتماعی ساختار حقوقی رسمی دارند، مطرح خواهد شد.

## ۱. سازه‌های پژوهش

### ۱-۱. بنگاه اجتماعی

در ادبیات موجود برای «بنگاه‌های اجتماعی» تعاریف مختلفی داده شده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: بنگاه‌های اجتماعی کسب‌وکارهایی‌اند که برای رفع مشکلات

جدول ۱: جدول مقایسه سازمان‌های خیریه، سازمان‌های تجاری و ساختارهای ترکیبی

خیریه	ساختار ترکیبی	صرفاً تجاری
انگیزه‌های فعالیت	انگیزه‌های ترکیبی	سود شخصی
تمرکز بر مأموریت	ایجاد تعادل میان مأموریت و بازار	تمرکز بر فعالیت‌های تجاری
اهداف	خلق ارزش اجتماعی و اقتصادی	خلق ارزش اقتصادی
وضعیت مازاد درآمد	سازمان‌های انتفاعی ممکن است بخشی از سود را تقسیم کنند و مابقی آن برای توسعه فعالیت‌های سازمان در راستای تحقق گسترده‌تر مأموریتش به کار گرفته شود.	میان صاحبان و سهام‌داران تقسیم می‌شود.

جدول ۲: گستره ساختارهای ترکیبی و خصوصیات مهم آنها

سازمان‌های خبریه و سازمان‌های مردم‌نهاد	سازمان‌هایی غیرانتفاعی که فعالیت‌های درآمدزا انجام می‌دهند	بنگاه اجتماعی	کسب‌وکارهای مسئولیت‌پذیر اجتماعی	بنگاه‌های اقتصادی که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهند	بنگاه‌های اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> <li>• انگیزه اجتماعی</li> <li>• پاسخ‌گویی به ذینفعان</li> <li>• سود حاصل شده در برنامه‌های اجتماعی مصرف می‌شود.</li> </ul>			<ul style="list-style-type: none"> <li>• انگیزه کسب سود</li> <li>• پاسخ‌گویی به سهام‌داران</li> <li>• سود میان سهام‌داران تقسیم می‌شود.</li> </ul>		

همان‌طور که مشخص است در طیف فوق ساختارهای ترکیبی، چهار نوع سازمان وجود دارند که عبارت‌اند از: سازمان‌های غیرانتفاعی که فعالیت‌های درآمدزا انجام می‌دهند،<sup>۱</sup> بنگاه اجتماعی، کسب‌وکارهای مسئولیت‌پذیر اجتماعی،<sup>۲</sup> سازمان‌های تجاری که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام می‌دهند<sup>۳</sup> (Alter, 2007).

#### • هدف اجتماعی

بنگاه اجتماعی، یکی از بازیگران اقتصاد اجتماعی است که هدف اصلی آن اثرگذاری اجتماعی است و به دنبال حداکثرکردن سود برای سهام‌داران یا مالکانش نیست.

#### • تقسیم سود محدود

بنگاه‌های اجتماعی از طریق ارائه‌ی خلاقانه و کارآفرینانه‌ی محصولات و خدمات در بازار عمل می‌کنند و بخش اصلی سود حاصل شده از فعالیت‌های خود را برای تحقق اهداف اجتماعی خود به کار می‌برند. محدودیت کلی یا جزئی برای تقسیم سود، مکانیسمی برای کنترل رفتارهای منفی، اعم از تحمیل قیمت‌های بالا و یا اتخاذ استانداردهای کیفیتی پایین، است. زمانی که محدودیت کامل برای تقسیم سود وضع شود، به نظر می‌رسد تا حد قابل توجهی رفتارهای مخرب کنترل می‌شوند؛ زیرا افراد از قیمت‌گذاری بالا، ارائه‌ی جنس بی‌کیفیت، رقابت ناسالم در بازار و تخریب رقبا هیچ‌گونه منفعت شخصی به دست نمی‌آورند؛ ولی محدودیت جزئی برداشت سود، اگر مقبول همه‌ی سهام‌داران نباشد، شاید خطرآفرین باشد؛ فرض کنید فردی از سهام‌داران مجبور به قبول محدودیت برداشت درصدی از سود، به‌رغم میل باطنی، شده باشد، در این صورت شاید او برای جبران این محدودیت سعی کند تصمیم‌هایی اتخاذ کند که سودآوری کل بنگاه را به هر طریقی افزایش دهد تا عایدی او با حالتی که تمام سود تقسیم می‌شده، برابری کند. نداشتن هدف بیشینه‌کردن سود، معیاری مهم برای تشخیص بنگاه‌های اجتماعی است. از طرفی محدودیت تقسیم سود، علاوه بر اینکه قابل‌اعتمادبودن بنگاه را افزایش می‌دهد، ابزاری برای افزایش منفعت‌رسانی بنگاه از طریق جذب ذی‌نفعان با اهدافی مشابه بنگاه است. برخی از محققان برآن‌اند که تقسیم‌کردن بخشی از سود با ماهیت کارآفرینانه‌ی بنگاه‌های اجتماعی همخوانی بیشتری دارد؛ زیرا ضمن اینکه ماهیت بازدارندگی دارد اشتیاق کارمندان

بنگاه‌های اقتصادی

گرگ دیز (1994) معتقد است: «بنگاه‌های اجتماعی سازمان‌های خصوصی‌اند که خود را وقف برطرف کردن مشکلات اجتماعی، خدمت‌کردن به افراد حاشیه‌ای و فراهم‌کردن کالاها و خدمات اجتماعی کرده‌اند، که به‌زعم آن‌ها سازمان‌های عمومی یا بازارهای خصوصی به اندازه کافی آن را فراهم نکرده‌اند. این سازمان‌ها، اهدافی را دنبال می‌کنند که به‌سادگی با سودآوری، نفوذ در بازار یا حمایت رأی‌دهندگان قابل‌اندازه‌گیری نیست.»

هاق و تریسی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) می‌گویند: «بنگاه‌های اجتماعی، کسب‌وکارهایی‌اند که برای هدفی اجتماعی تجارت می‌کنند. آن‌ها نوآوری، کارآفرینی و هدف اجتماعی را ترکیب می‌کنند و با درآمدزایی از طریق تجارت به دنبال پایداری مالی‌اند. مأموریت اجتماعی آن‌ها موجب می‌شود منفعت‌رسانی اجتماعی مهم‌تر از کسب سود مالی باشد و زمانی که مازاد درآمد (سود) حاصل می‌شود برای تحقق بیشتر هدف اجتماعی برای گروه ذی‌نفع یا جامعه استفاده می‌شود و بین افرادی که بنگاه را مدیریت می‌کنند، تقسیم نمی‌شود.»

کمیسیون اروپایی، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ طرح کسب‌وکار اجتماعی<sup>۵</sup> را انجام داد. یکی از خروجی‌های این طرح توسعه

1. Non Profit with Income Generating Activities
2. Socially Responsible Business
3. Corporation Practicing Social Responsibility
4. Hogg and Tracey
5. Social Business Initiative

به صورت مشارکتی و دموکراتیک اداره می‌شوند، محصول یا خدمتی اجتماعی فراهم می‌کنند یا فرایند تولید محصول یا ارائه خدمت آن‌ها به تحقق اهداف اجتماعی‌شان کمک می‌کند.

### ۱-۲. مزایا

بنگاه‌های اجتماعی در برطرف کردن مشکلات اجتماعی، در قیاس با سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی مزایایی دارند که عبارت‌اند از:

- بنگاه اجتماعی در مقایسه با سازمان‌های دولتی، که توانایی یا منابع لازم برای رفع هر مشکل اجتماعی را ندارد، مانند بنگاه خصوصی کارایی بیشتری در رفع مشکلات اجتماعی دارد.

- بنگاه‌های اجتماعی در مقایسه با سازمان‌های غیرانتفاعی، که با کاهش منابع مالی از یک طرف و افزایش تقاضا برای نوآوری از طرف دیگر مواجه‌اند، در رفع مشکلات اجتماعی خلاق‌تر و پایدارترند.

- بنگاه‌های اجتماعی در قیاس با کسب‌وکارهای تجاری، که باید برای افزایش سود سهام‌داران خود تلاش کنند، قادرند مشکلات اجتماعی را سخاوتمندانه‌تر برطرف کنند. مدتر از دولت‌ها، خلاقانه‌تر و پایدارتر از سازمان‌های غیرانتفاعی و سخاوتمندانه‌تر و با تمرکز بیشتر در د.

- در یک جمله می‌توان گفت برطرف کردن مشکلات اجتماعی کارآ مقایسه با سازمان‌های تجاری از مزایای بنگاه‌های اجتماعی است.

- بنگاه اجتماعی بازگشت اجتماعی سرمایه<sup>۱</sup> را در قیاس با مدل‌های موجود افزایش می‌دهد؛ زیرا فعالیت‌های بنگاه‌های اجتماعی همراه با خلق ارزش برای جامعه از طریق رفع مشکلات آن است، از طرف دیگر، خودگردان بودن بنگاه‌های اجتماعی و تأمین نیازهای مالی خود از طریق روش‌های تجاری موجب می‌شود منابع مالی در سیستم آن‌ها به گردش درآید و برخلاف ساختارهای خیریه برای تحقق مأموریت اجتماعی از سازمان خارج نشود و این موضوع موجب افزایش بازگشت سرمایه اجتماعی بنگاه‌های اجتماعی می‌شود (اتحادیه بنگاه‌های اجتماعی).

### ۱-۳. چرا باید از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کرد؟

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای حمایت از بنگاه‌های اجتماعی سه علت را برشمرده است. این عوامل نشان می‌دهد که بنگاه‌های اجتماعی ابزاری مناسب برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی‌اند:

را حفظ می‌کند. همچنین موجب می‌شود سرمایه‌گذارانی جذب شوند که تمایل به فعالیت اجتماعی و کسب سود دارند.

### • مدیریت مشارکتی

مدیریت بنگاه‌های اجتماعی مشارکتی و مسئولیت‌پذیر است و با مشارکت کارکنان، مصرف‌کنندگان و دیگر ذینفعانی اداره می‌شوند که از فعالیت‌های بنگاه اجتماعی متأثر می‌شوند.

مکانیزم تکمیلی دیگر، که مکانیزم محدودیت توزیع سود را در کنترل رفتارهای منفی و نامطلوب یاری می‌کند، تخصیص حق مالکیت و قدرت کنترل به عده‌ای مشخص از ذینفعان، علاوه بر سرمایه‌گذاران است. این مکانیزم، زمینه را برای به وجود آمدن دارایی‌هایی با مالکیت چند ذی‌نفع میسر می‌کند. بسته به نوع بنگاه اجتماعی، حق مالکیت و قدرت کنترل می‌تواند به یک دسته یا چند دسته از ذینفعان منتقل شود. تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بنگاه اجتماعی عموماً با مشارکت ذینفعان صورت می‌گیرد و مشارکت ذینفعان و ساختار مدیریتی دموکراتیک عموماً در مدیریت بنگاه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود.

بنگاه اجتماعی طبق تعریف کمیسیون اروپایی شامل سازمان‌های زیر می‌شود:

- سازمان‌هایی که فعالیت‌های تجاری نوآورانه انجام می‌دهند تا اهداف اجتماعی آن‌ها محقق شود؛

- سازمان‌هایی که بخش قابل توجه سود آن‌ها برای تحقق هدف اجتماعی‌شان مجدد در سازمان سرمایه‌گذاری می‌شود و در صورت تقسیم سود، بخش اندکی از سود میان سهام‌داران تقسیم می‌شود؛

- سازمان‌هایی که شیوه مدیریت و مالکیت آن‌ها نشان‌دهنده مأموریت آن‌هاست و به صورت دموکراتیک و مشارکتی اداره می‌شوند؛

- کسب‌وکارهایی که خدمات یا کالاهای اجتماعی ارائه می‌کنند یا اینکه به اقشار آسیب‌پذیر (سالمنندان، افراد معلول و ...) خدمت می‌کنند؛

کسب‌وکارهایی که در روش تولید یا ارائه خدمات خود اهداف اجتماعی را دنبال می‌کنند؛ اما خروجی فعالیت آن‌ها ممکن است محصول یا خدمتی اجتماعی نباشد، مثلاً بنگاه اجتماعی ممکن است برای معلولین اشتغال‌زایی کند و محصولات بهداشتی در بازار به فروش برساند مانند گروه کارخانه‌های بهداشتی فیروز که محصولش اجتماعی نیست، اما هدف اجتماعی آن از طریق فرایند تولید آن که اشتغال‌زایی برای معلولین است محقق می‌شود (European Commission, 2015).

در جمع‌بندی می‌توان گفت سازمان‌هایی بنگاه اجتماعی محسوب می‌شوند که فعالیت‌های تجاری آن‌ها ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی‌شان است، بخش اعظم سود خود را برای گسترش اثرگذاری اجتماعی‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند،



که دارند (اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و ...) طبیعتاً در مقایسه با بنگاه‌های اقتصادی مشابه به‌لحاظ سوددهی اقتصادی در سطح پایین‌تری خواهند بود و قدرت رقابت با آن‌ها را نخواهند داشت. در برخی موارد که این بنگاه‌ها، برای افراد حاشیه‌ای اشتغال‌زایی می‌کنند، وضعیت آن‌ها به‌مراتب سخت‌تر نیز خواهد شد؛ چراکه بازده کاری این افراد در مقایسه با افراد معمولی که در بنگاه‌های اقتصادی کار می‌کنند پایین‌تر است. از طرفی، در این نوع بنگاه‌های اجتماعی تاجایی که ممکن باشد از نیروی انسانی به‌جای ابزار و ماشین‌آلات استفاده می‌شود، مثلاً می‌توان به تعاونی نوید نور (تعاونی افراد هموفیلی و تعمیرکننده کنتور گاز) اشاره کرد که بنگاه اجتماعی محسوب می‌شود. به گفته مدیرعامل تعاونی نوید نور، این تعاونی در بهترین شرایط می‌تواند هزینه‌های خود را تأمین کند و سودآور نیست؛ از این‌رو نیاز مبرم به برنامه‌های حمایتی دولت دارد.

از طرفی، باید به این نکته توجه داشت که بنگاه‌های اجتماعی عموماً برخی از وظایف دولت‌ها را انجام می‌دهند. طبیعی است که دولت‌ها برای تشویق، توسعه و البته پایداری این بنگاه‌ها، برای اینکه بتوانند مسیر خود را ادامه دهند باید یکسری حمایت‌ها از آن‌ها را در نظر بگیرند.

اما اینکه با توجه به ساختار کشور ما، دولت با استفاده از چه برنامه، سیاست و قانونی می‌تواند از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کند سؤال مهم است که باید پژوهش‌هایی عمیق برای رسیدن به جواب آن انجام شود. در بررسی بعد دوم چالش‌ها باید ابتدا به این مسئله توجه داشت که نبود برهه‌ها و وضعیت‌های حقوقی مشخص چه مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد.

#### ۱-۴-۱- نبود وضعیت حقوقی برای بنگاه‌های اجتماعی

در کشور ما انواع مختلف شرکت‌ها می‌توانند به‌صورت قانونی ثبت شوند. از شرکت‌های سهامی که کارهای اقتصادی دارند تا شرکت‌های NGO که کارهای اجتماعی می‌کنند؛ اما در این میان، ساختار حقوقی برای ثبت بنگاه‌هایی که با اهداف اجتماعی اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار می‌کنند در نظر گرفته نشده است. شاید این تردید به‌وجود آید که این بنگاه‌ها می‌توانند به همان شکل بنگاه‌های اقتصادی ثبت شوند و در کنار آن اهداف اجتماعی خود را نیز پیش ببرند؛ اما در پاسخ باید گفت بنگاه‌های اقتصادی با هدف اقتصادی و کسب سود راه‌اندازی شده‌اند. اما بنگاه‌های اجتماعی، بنگاه‌هایی‌اند که با هدف اجتماعی تأسیس شده‌اند و برای رسیدن به هدف اجتماعی و خودگردانی اقتصادی، کار اقتصادی نیز می‌کنند و سود حاصل از کسب‌وکار این بنگاه‌ها تقسیم نمی‌شود. به عبارتی، اساساً مأموریت بنگاه‌های اقتصادی و بنگاه‌های اجتماعی با هم متفاوت است. از طرفی، نبود ساختار حقوقی مشخص برای بنگاه‌های اجتماعی از دو جنبه مهم خواهد

(۱) ارائه خدمات: <sup>۱</sup> بنگاه‌های اجتماعی ممکن است برای ارائه خدمات رفاهی به گروهی خاص از افراد یا بخشی خاص از جامعه تأسیس شوند. ماهیت مشارکتی بنگاه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کند که ذی‌نفعان مختلف در طراحی و ارائه خدمات رفاهی، فراهم کردن منابع مورد نیاز غیرمالی (نیروهای داوطلب)، شناسایی شکاف‌های موجود در ارائه خدمات رفاهی و پیشگام شدن در عرضه خدماتی که همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد مشارکت کنند.

(۲) شمول اجتماعی: <sup>۲</sup> اشکال جدید بنگاه اجتماعی این امکان را فراهم می‌کند که افرادی محروم، که مدت زیادی از جامعه دور بوده یا طرد شده‌اند، مجدداً به ساختار اجتماعی بازگردند. مثلاً افرادی که به‌سبب معلولیت در جامعه حضور نداشته‌اند می‌توانند در ساختار برخی بنگاه‌های اجتماعی مهارت بیاموزند و در همان بنگاه یا کسب‌وکارهای دیگر مشغول به‌کار شوند. در کشور خودمان، گروه بهداشتی فیروز که با قصد اشتغال‌زایی برای معلولین فعالیت خود را آغاز کرده است به‌نوعی، افراد معلول را به جامعه کشانده است و با آموزش مهارت‌های لازم آن‌ها را برای کارکردن استخدام کرده است.

(۳) بهبود جامعه مدنی: <sup>۳</sup> بنگاه‌های اجتماعی می‌توانند پایداری مالی و نظارتی ابتکارات جامعه مدنی را، که با هدف حمایت از گروه‌های محروم انجام می‌شود، افزایش دهند. در واقع می‌توان گفت بنگاه‌های اجتماعی می‌توانند استراتژی مناسب برای سازمان‌های جامعه مدنی، به‌منظور بسیج منابع عمومی و افزایش مشارکت مردم برای نوآوری در راستای رفع مسائل اجتماعی، محسوب شوند.

#### ۱-۴-۲. چالش‌ها

علاوه بر تمام مزایایی که گفته شد، چالش‌های فراوانی درباره بنگاه‌های اجتماعی وجود دارد. این چالش‌ها را می‌توان از دو بعد بررسی کرد:

بُعد اول این است که این بنگاه‌ها با مشکلاتی روبه‌رو هستند که برای رفع آن‌ها نیازمند سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین حمایتی از سمت دولت‌اند.

بعد دوم، چالش‌هایی است که در نبود قوانین و وضعیت‌های حقوقی برای نظارت و کنترل این بنگاه‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی به‌وجود می‌آیند.

در بررسی چالش‌ها و مشکلات دسته اول باید به این مهم توجه داشت که بنگاه‌های اجتماعی به‌خاطر اهداف چندگانه‌ای

1. Service delivery
2. Social inclusion
3. Civil society development

بود: برای راستی‌آزمایی شرکت‌ها که نتوانند از نام بنگاه‌های اجتماعی سوءاستفاده کنند و جنبه بعدی برای تسهیل کار دولت در اجرای قوانین حمایتی از این بنگاه‌هاست.

#### ۱-۴-۲- نبود قانون خاص برای شرکت‌های غیرانتفاعی

در کشور ما، علاوه بر نبود ساختار و فرم قانونی مشخص برای بنگاه‌های اجتماعی، قانونی برای راستی‌آزمایی شرکت‌های غیرانتفاعی نیز در نظر گرفته نشده است. نتیجه این خلأ قانونی را می‌توان در آن دسته از شرکت‌ها دید که برای بهره‌بردن از حمایت‌هایی مانند تخفیف مالیاتی، از نظر حقوقی شرکت خود را به صورت NGO ثبت کرده‌اند اما به دنبال منافع اقتصادی خود هستند.

#### ۱-۴-۳- نبود نظارت بر ادامه عملکرد بنگاه‌های اجتماعی

بنگاه‌های اجتماعی، که با هدف اجتماعی، کسب‌وکاری راه‌اندازی می‌کنند باید این هدف را دنبال و حفظ کنند؛ اما دولت باید، در مقام تنظیم‌گر در کشور، بتواند با استفاده از یک سری قوانین این بنگاه‌ها را کنترل کند تا این بنگاه‌ها از اهدافی که تعریف کرده‌اند تخطی نکنند.

### ۲. بررسی قوانین و سیاست‌های مرتبط با بنگاه‌های اجتماعی در کشورهای دیگر

در بخش قبل مقاله سعی شد مفهوم بنگاه‌های اجتماعی همچنین چالش‌هایی که درباره آن‌ها وجود دارند مرور شوند. در ادامه قوانین و برنامه‌هایی که کشورهای دیگر برای حل چالش‌های ذکر شده استفاده کرده‌اند بررسی خواهد شد.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که معیارهای در نظر گرفته شده برای انتخاب کشورهای منتخب، وجود ساختارها و قوانین حقوقی مدون در ساختار قانونی آن کشورها بوده است. در کنار این موضوع محدودیت دسترسی به منابع مورد نظر نیز ملاحظه‌ای دیگر برای انتخاب در نظر گرفته شده است. در ادامه به معرفی سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین چند کشور خواهیم پرداخت؛ این قوانین شامل دو بخش خواهد بود: یک بخش درباره ساختار حقوقی پذیرفته شده برای بنگاه اجتماعی است و بخش دوم برنامه‌ها و قوانین مرتبط با بنگاه‌های اجتماعی خواهد بود.

بدیهی است قوانین و برنامه‌های بررسی شده عیناً و بدون در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی کشور استفاده نخواهند شد. این برنامه‌ها و قوانین صرفاً برای آشنایی مخاطبان با اقدامات و برنامه‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف است.

#### ۲-۱- ساختار حقوقی

##### ۲-۱-۱- انگلستان

##### ۲-۱-۱-۱- شرکت‌های منفعت اجتماعی

چارچوبی قانونی برای ثبت بنگاه‌های اجتماعی با مسئولیت محدود وجود دارد که می‌خواهند سرمایه و منافع خود را برای تولید کالایی با منفعت اجتماعی مصرف کنند. کشور انگلستان این قانون را با هدف کمک به رشد سریع بنگاه‌های اجتماعی به تصویب رسانده است. ثبت شرکت تحت این چارچوب قانونی بسیار ساده است و به اندازه سایر شرکت‌ها، که طبق سایر قوانین ثبت می‌شوند، انعطاف و اعتبار دارد؛ اما خصوصیات ویژه‌ای نیز دارد تا اطمینان حاصل شود سرمایه‌گذاری انجام شده در راه تحقق هدف اجتماعی مصرف خواهد شد.

شرکت‌های منفعت اجتماعی را می‌توان در دو گروه زیر تقسیم‌بندی کرد:

##### ۱) بنگاه‌های اجتماعی<sup>۱</sup>

۲) شرکت‌هایی که برای خدمت‌رسانی به گروه‌های حاشیه‌ای<sup>۲</sup> فعالیت می‌کنند.

این مرزبندی شفاف نیست و یک شرکت منفعت اجتماعی می‌تواند در هر دو دسته قرار بگیرد. روشی دیگر برای طبقه‌بندی شرکت‌های منفعت اجتماعی، حوزه فعالیت آن‌هاست که معمولاً شامل موارد آموزش، سلامت، شرکت‌های واقع در مناطق حاشیه‌ای و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات به گروه‌های حاشیه‌ای می‌شود. تفاوت‌های بنیادی شرکت‌های منفعت اجتماعی و خیریه‌ها چنین ذکر شده است:

- شرکت‌های منفعت اجتماعی در قیاس با خیریه‌ها، می‌توانند در گستره بیشتری از فعالیت‌ها وارد شوند؛
- امکان پرداخت به مؤسس‌ها و سهام‌داران شرکت با منفعت اجتماعی وجود دارد؛ اما در خیریه، امکان هرگونه پرداخت منوط به ارائه یک خدمت است؛
- برخلاف خیریه‌ها که تحت نظارت شدید نهادهای دولتی هستند، شرکت‌های منفعت اجتماعی علاوه بر اینکه می‌توانند خود را آزادانه‌تر با تغییرات بازار تطبیق دهند، همچنان مؤسسه با اهداف اجتماعی شناخته می‌شوند؛

شرکت منفعت اجتماعی یکی از انواع شرکت‌های مسئولیت محدود است. این محدودیت مسئولیت به یکی از دو طریق زیر مشخص می‌شود:

1. Social enterprise

2. Disadvantaged

طبق این قانون، بنگاه اجتماعی ساختار حقوقی جدید ندارد و می‌تواند به شکل تعاونی، بنگاه غیرانتفاعی، شرکت سرمایه‌گذاری و غیره باشد؛ فقط لازم است سازمانی خصوصی باشد، برای اهداف عمومی - و نه برای سود - فعالیت کند و با نوآوری و کارآفرینی به تولید محصول و ارائه خدمات اجتماعی بپردازد. بخش دولتی به صورت مجزا و وظیفه ارائه خدمات اجتماعی را برعهده دارد، به همین علت، لازم است بنگاه اجتماعی خصوصی باشد و افراد به صورت داوطلبانه وارد این حیطه شوند (Borgo, 2016).

### ۲-۱-۳- کره جنوبی

بنگاه‌های اجتماعی در کره جنوبی به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول بنگاه‌های رسمی و مجوزدار هستند: ۴۳٪ از این بنگاه‌ها در حوزه اشتغال‌زایی فعالیت می‌کنند و ۵۰٪ کارمندانشان از افراد حاشیه‌ای‌اند. ۱۳٪ از بنگاه‌های اجتماعی مجوزدار به ارائه خدمات اجتماعی می‌پردازند که ۵۰٪ از دریافت‌کنندگان خدمات آن‌ها، افراد حاشیه‌ای‌اند، ۳۰٪ علاوه بر اشتغال‌زایی، خدمات اجتماعی نیز ارائه می‌دهند و ۱۴٪ نیز در سایر مسائل اجتماعی مانند حفاظت از محیط‌زیست، مشغول به فعالیت‌اند. شکل ۱ نشان می‌دهد زمینه فعالیت بنگاه‌های اجتماعی کره جنوبی به کدام نیاز اجتماعی مربوط می‌شود. طبیعی است بنگاه‌هایی که صرفاً با هدف اشتغال‌زایی برای افراد حاشیه‌ای مشغول به فعالیت‌اند، لزوماً زمینه‌ای اجتماعی برای کسب‌وکارشان انتخاب نمی‌کنند و می‌توانند در تولید، صنعت، تبلیغات و... فعالیت کنند.

دسته دوم بنگاه‌های اجتماعی به واسطه «نظام ملی معیشت عمومی» به وجود آمده‌اند. در این طرح برای افرادی که درآمدهای کمتری از یک سوم میانگین درآمد شهروندان کره جنوبی باشد، بسته‌های حمایتی در نظر گرفته شده است. در این بسته، حمایت‌های مالی برای راه‌اندازی کسب‌وکار در نظر گرفته شده است. در واقع، کسب‌وکارهایی که افراد زیر خط فقر با کمک‌های مالی دولت راه‌اندازی کنند بنگاه اجتماعی محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۱۰ در حدود ۲۰٪ از بنگاه‌های اجتماعی کره جنوبی از این دسته بوده‌اند.

کارگاه‌های آموزشی که افراد حاشیه‌ای با هدف بهبود وضعیت تولید کشور برگزار می‌کنند، سومین دسته از بنگاه‌های اجتماعی شناخته می‌شود. در سال ۲۰۰۶ در حدود ۹۰۰۰ فرد حاشیه‌ای در این کارگاه‌ها مشغول به فعالیت بوده‌اند (Bidet and Eum, 2011).

### ۲-۱-۴- اسپانیا

در کشور اسپانیا، «تعاونی‌های اقدام اجتماعی» با تصویب یک قانون ملی در سال ۱۹۹۹ به رسمیت شناخته شدند. علاوه بر این ساختار حقوقی ملی، در ۱۲ منطقه خودمختار، ساختارهایی مشخص برای تعاونی‌هایی که در حوزه ایجاد همبستگی از طریق

۱. میزان سهام: هر سهام‌دار به میزان سهام خود در قبال جامعه مسئولیت دارد و در این حالت جمع سهام افراد، میزان مسئولیت محدود بنگاه را مشخص می‌کند.

۲. میزان ضمانت اعضا: هر یک از اعضای بنگاه متعهد می‌شوند به اندازه‌ای مشخص در قبال جامعه مسئولیت داشته باشند، در این حالت، جمع این ضمانت‌ها مسئولیت محدود بنگاه را معین می‌کند (Community Interest Companies. Gov.uk., 2013).

### ۲-۱-۱-۲. مؤسسات مالی با هدف توسعه اجتماعی

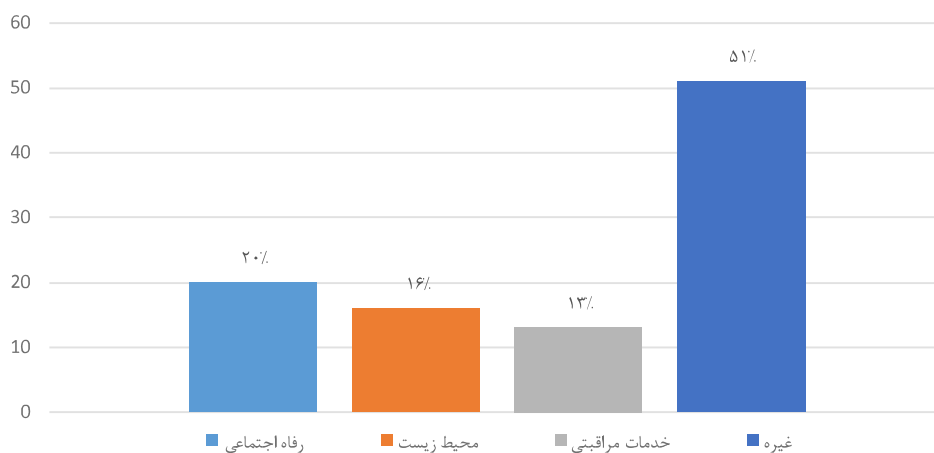
دولت هر ساله تعاونی‌های اعتباری و بانک‌های محلی را، که امکان قرارگرفتن در چارچوب مؤسسه مالی با هدف توسعه اجتماعی دارند، بررسی و لیست آن‌ها را به مردم و شرکت‌ها ارائه می‌کند. طبق معیار دولت، مؤسسه مالی با هدف توسعه اجتماعی باید در تأمین مالی به بنگاه‌های مربوط به گروه‌های حاشیه‌ای کمک کند. این بنگاه‌ها در مناطق حاشیه‌ای قرار دارند یا کارکنان و صاحبان‌شان اعضای گروه‌های حاشیه‌ای‌اند یا بنگاه برای خدمت‌رسانی به این افراد فعالیت می‌کند. مثلاً در فوریه ۲۰۱۶، دولت بیست مؤسسه را مؤسسه مالی با هدف توسعه اجتماعی شناخت که از میان آن‌ها می‌توان به سه مورد بانک تریودوس<sup>۱</sup> صندوق بنگاه اجتماعی<sup>۲</sup> و اتحادیه سرمایه‌گذاری آلستر<sup>۳</sup> که به بخش سوم در ایرلند وام می‌دهد، اشاره کرد. مؤسسات مالی با هدف توسعه اجتماعی معمولاً در یکی از سه قالب زیر مشاهده می‌شوند:

- مؤسسات مالی اعتبار خرد، که وام‌های کوچک را با نرخ‌های نزدیک به بازار برای بنگاه‌های کوچک مهیا می‌کنند.
- بانک‌های اجتماعی، گرچه فعالیت اقتصادی می‌کنند، هدفشان فراتر از سود اقتصادی است و معمولاً اهداف اجتماعی یا محیط‌زیستی دارند.
- صندوق وام‌های اجتماعی<sup>۴</sup>، که برای بازسازی شرکت‌های منفعت اجتماعی به کار می‌روند (گزارش‌های رسمی دولت انگلستان، ۲۰۱۶).

### ۲-۱-۲- ایتالیا

کشور ایتالیا در سال ۲۰۰۶ قانونی جدید برای بنگاه‌های اجتماعی به تصویب رساند. این قانون بنگاه‌های اجتماعی را بخش سوم اقتصاد، در کنار دولت و بخش خصوصی، قرار داده است.

1. Triodos Bank
2. The Social Enterprise Fund
3. Ulster Community Investment Trust
4. community loan funds



شکل ۱: شاخه‌های فعالیت بنگاه‌های اجتماعی کره جنوبی

با هدف اجتماعی فراهم کرد. در واقع، این قانون برای نوعی خاص از شرکت‌ها ارائه نشد، بلکه رویه‌ای را معرفی کرد که هر سازمان تجاری می‌تواند اتخاذ کند. طبق این قانون همه شرکت‌های تجاری، مشروط بر آنکه شرایطی خاص داشته باشند، یک شرکت با هدف اجتماعی محسوب می‌شوند (Borzaga and et al., 2014).

#### ۲-۱-۷- دانمارک

در ژوئن سال ۲۰۱۴ در دانمارک قانونی در ثبت بنگاه‌های اجتماعی تصویب شد. هدف این قانون شناسایی بنگاه‌های اجتماعی بر اساس استانداردهایی معین است. در واقع، شرکت‌هایی که یک سری معیارها را داشته باشند می‌توانند شرکت خود را به‌عنوان بنگاه‌های اجتماعی ثبت کنند، از جمله این معیارها داشتن هدف اجتماعی است که بنگاه اجتماعی باید داشته باشد. این بنگاه‌ها مشمول قانون محدودیت تقسیم سود خواهند شد. این قانون همچنین به‌محض اینکه بنگاهی معیارهای آن را رعایت نکند، ثبت نام آن شرکت را لغو خواهد کرد (Wilkinson and et al., 2014).

#### ۲-۱-۸- اسلونی

این کشور نیز مانند کشور ایتالیا، دو نوع شرکت اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود: شرکت‌هایی که خدماتی با منفعت اجتماعی دارند و شرکت‌های نوع دوم شرکت‌هایی‌اند که برای افراد حاشیه‌ای اشتغال‌زایی دارند و می‌توانند کارهای اقتصادی مختلفی انجام دهند (Borzaga and et al., 2014).

#### ۲-۱-۹- فرانسه

قانونی که سال ۲۰۰۱ مجلس ملی فرانسه به تصویب رساند، شرایطی جدید برای فعالیت رسمی سازمان‌های

اشتغال‌زایی فعالیت می‌کردند تشکیل شدند. قانون سال ۱۹۹۹ در مورد تعاونی‌هایی است که فعالیت‌های اجتماعی در حوزه‌های آموزش، رفاه، پزشکی و خدمات اشتغال‌زایی انجام می‌دهند (European Commission, 2013).

#### ۲-۱-۵- پرتغال

در کشور پرتغال، تعاونی‌هایی با عنوان «تعاونی‌های همبستگی اجتماعی» تشکیل شده‌اند؛ این تعاونی‌ها برای کمک به والدین کودکان معلول و افراد فعال در حوزه آموزش و توان‌بخشی این کودکان ایجاد شدند. قانون مصوب سال ۱۹۹۸ در پرتغال، اهداف این نوع تعاونی‌ها را به صورت زیر معرفی می‌کند:

- حمایت از اقشار و خانواده‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، جوانان، افراد محروم و کهن سالان؛
- حمایت از جوامعی که به لحاظ اجتماعی محروم‌اند؛
- حمایت از افرادی که به پرتغال مهاجرت کرده‌اند و زندگی سختی دارند؛
- بهبود وضعیت آموزش و اشتغال برای گروه‌های محروم اجتماعی (Borzaga and et al., 2014).

#### ۲-۱-۶- بلژیک

در سال ۱۹۹۵ یک ساختار حقوقی جدید با نام «شرکت با هدف اجتماعی»<sup>۱</sup> برای فعالیت بنگاه‌های اجتماعی ایجاد کرد که آزادی عمل بیشتری برای بنگاه‌های اجتماعی از لحاظ ساختار حقوقی و حوزه‌هایی که می‌تواند در آن فعالیت کند، ایجاد کرد. این قانون، زمینه فعالیت هر بنگاه تجاری مانند شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های خصوصی را در قالب شرکت

1. Social purpose company

داخلی خود می‌توانند به سهامداران سود بپردازند، اما باید سقف سود را رعایت کنند، باید اجتماعی بودن اهدافشان را اثبات کنند، اجازه فعالیت سیاسی ندارند و باید از قانون «قفل شدن دارایی»<sup>۲</sup> تبعیت کنند. قوانین مالیاتی شرکت‌های منفعت اجتماعی مشابه سایر شرکت‌های تجاری است، اما برای مشاوره تجاری و تأمین مالی، دولت تسهیلاتی برای آن‌ها فراهم کرده است.

در ساختار قانونی انگلستان، تفاوت عمده شرکت منفعت جمعی با سایر بنگاه‌های غیرانتفاعی، آزمون هدف اجتماعی است. این آزمون کیفی، فواید اجتماعی بنگاه را تأیید یا مردود اعلام می‌کند. هر ساله، بازرسان دولتی درباره ذی‌نفعان فعالیت‌های شرکت و اهداف موردنظر شرکت تحقیق می‌کنند تا از اجتماعی بودن شرکت اطمینان حاصل کنند. به این ترتیب، دولت سالانه شرکت‌های منفعت اجتماعی را تأیید و رتبه‌بندی می‌کند. یکی از کاربردهای فرعی این رتبه‌بندی، استفاده از آن برای جذب تسهیلات است.

لازم به ذکر است در صورتی که شرکت منفعت اجتماعی به صورت سهامی اداره شود، دولت به منظور حفظ هدف اجتماعی در بنگاه‌های اجتماعی، محدودیت‌های زیر را بر نحوه تقسیم سود اعمال می‌کند:

الف) سقف سود سهام: قبل از سال ۲۰۱۰، چهار درصد بالاتر از نرخ بهره وام‌های بانکی انگلستان مجاز بود و بعد از آن، سقف سود ۲۰ درصد مجاز است.

ب) جمع کل سودهای پرداختی به سهام در مقایسه با کل سود قابل تسهیم ۳۵ درصد است.

ج) اگر سودی که شرکت توزیع می‌کند کمتر از سقف مجاز باشد، مقدار باقی‌مانده را در پنج سال آتی می‌تواند توزیع کند (Community Interest Companies, Gov.uk., 2013).

#### ۲-۱-۱-۲-۲. قانون قفل شدن دارایی

در انگلستان کسانی که دغدغه اجتماعی دارند می‌توانند این دغدغه را در قالب ثبت شرکت‌هایی که دارایی‌هایشان قفل شده است، پیگیری کنند. این قانون کمک می‌کند تا فرد مطمئن باشد بدون نیاز به نظارت فردی، بلکه با کمک نظارت دولتی، سرمایه‌هایی که با هدف اجتماعی جذب شده‌اند در همین راه مصرف شود. به این ترتیب، حتی اگر رئیس یا مؤسس شرکتی که مشمول قانون قفل شدن دارایی می‌شود، بخواهد سرمایه‌های شرکت را از آن خارج کند، دولت این اجازه را به وی نخواهد داد. قانون قفل شدن دارایی بیان می‌کند سرمایه قفل شده را نمی‌توان به یک مؤسسه اقتصادی منتقل کرد. تا سال ۲۰۱۲ فقط مؤسسات

اجتماعی فراهم کرد. این قانون شکلی جدید از تعاونی، به نام «تعاونی منفعت عمومی»<sup>۱</sup> یا SCIC را معرفی کرد. هدف از ایجاد این نوع تعاونی، جلب مشارکت ذی‌نفعان مختلف شامل کارکنان، مشتریان، افراد داوطلب و سرمایه‌گذاران بود که با ایجاد نظام مدیریت مشارکتی، تحقق پیوسته اهداف اجتماعی را تضمین کند.

از طرفی قانون به این نوع از تعاونی‌ها اجازه می‌دهد از مزایای انجمن‌ها (تأمین مالی عمومی) و مزایای تعاونی‌های تولیدی (انجام فعالیت‌های تجاری) به صورت هم‌زمان بهره‌مند شوند. به همین علت بسیاری از انجمن‌ها، بدون تغییر در اساسنامه خود، ساختارشان را به SCIC تغییر دادند.

یکی از وجوه تمایز قانون فرانسه و ایتالیا در مورد تعاونی‌های اجتماعی این است که قانون کشور فرانسه الزام می‌کند تعاونی‌های منفعت عمومی باید چند دسته عضو داشته باشند که ارتباط آن‌ها با تعاونی، متفاوت است. کارکنان تعاونی و مصرف‌کنندگان کالا یا خدمات تعاونی دو دسته‌اند که از دو نوع متفاوت از فعالیت‌های تعاونی نفع می‌برند. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، ساختار چند ذی‌نفعی تعاونی‌های منفعت عمومی در فرانسه که منجر به مشارکت گروه‌های مختلف می‌شود، ضمن اینکه تأثیری مثبت در ادامه فعالیت اجتماعی تعاونی داشته است، به نظر می‌رسد در افزایش تعداد این تعاونی‌ها تأثیر منفی داشته است (Borzaga and et al., 2014).

#### ۲-۲. بررسی قانون‌ها و برنامه‌های حمایتی دولت‌ها از بنگاه‌های اجتماعی

به صورت کلی سیاست مداخله‌ای دولت درباره بنگاه‌های اجتماعی را می‌توان در انواع زیر طبقه‌بندی کرد:

- برنامه‌ها و تنظیم مقررات؛
- سرمایه‌گذاری؛
- تخفیف مالیاتی؛
- آگاهی‌بخشی و ترویج فرهنگ بنگاه‌های اجتماعی (Awasthi, 2015).

در ادامه سعی شده است برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانینی که درباره بنگاه‌های اجتماعی در کشورهای دیگر وجود دارد به اجمال بررسی شود.

#### ۲-۲-۱-۱-۲-۲ انگلستان

بر اساس قوانین، شرکت‌های منفعت اجتماعی طبق اساسنامه

1. Co-operative Society of the Common Interest (société coopérative d'intérêt collectif)

2. Asset lock

با تضمین دولت سود ثابتی را در انتهای دوره دریافت می‌کنند، این اوراق سودشان وابسته به میزان اثربخشی پروژه در جامعه خواهد بود. به همین علت، باعث ظهور و بروز خلاقیت و نوآوری در ارائه خدمات عمومی خواهد شد.

با ایجاد اوراق قرضه با آثار اجتماعی، توان جذب سریع سرمایه برای طرح‌های خلاقانه افزایش یافت، طرح‌هایی که با احتمال بیشتری می‌توانند آسیب‌های اجتماعی را در مراحل اولیه آن شناسایی و از رخ دادن آثار اجتماعی منفی جلوگیری کنند. همچنین امکان نوآوری را به مؤسسات می‌دهد تا خدمات عمومی جدیدی ارائه دهند و دولت فقط در صورتی پول را پرداخت می‌کند که نتایج مثبت پروژه مشخص شود. به کمک ساختار جدید، دیگر نیاز نیست دولت در پروژه‌های اجرایی وارد شود، بلکه دولت در صورت تمایل به اجرای طرح اجتماعی می‌تواند «اوراق قرضه با تأثیر اجتماعی» بخرد. برخی خریدهای دولتی به این شرح است: اعتبار ۸۰ میلیون پوندی برای پروژه‌های مختلف در مناطق محلی در سال ۲۰۱۵، اعتبار ۶۰ میلیون پوندی برای توسعه اوراق قرضه جدید با آثار اجتماعی، اعتبار ۱۵ میلیون پوندی برای خرید اوراق مربوط به جوانان بی‌خانمان در لندن و اعتبار ۱۶ میلیون پوندی برای اشتغال جوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله<sup>۲</sup> که ۳۹ مؤسسه آن‌ها را جذب کرده‌اند تا از بیکاری جوانان پیشگیری کنند.

نهادهایی مانند نیروی انتظامی، شوراهای محلی و کمیسیون‌های بهداشت و درمان، از سرمایه‌گذاران دولتی اوراق قرضه با آثار اجتماعی‌اند؛ اما این اوراق خریداران خصوصی و شبه‌دولتی هم دارد. گرچه قانون مربوط به اوراق قرضه با آثار اجتماعی در سال ۲۰۱۲ پیشنهاد شد و در سال ۲۰۱۳ نسخه نهایی آن به تصویب رسید، در این مدت کوتاه، اوراق قرضه اجتماعی با استقبال خوبی مواجه شد. هم‌اکنون تعداد زیادی از طرح‌های ابتکاری، در حال گذشتن از روند انتشار اوراق قرضه با آثار اجتماعی و شروع فعالیت‌اند و در مدت سه سالی که از تصویب قانون مربوط به این اوراق می‌گذرد، ۳۲ نوع اوراق قرضه با آثار اجتماعی منتشر شده است که گزارش آن‌ها در سایت دولت انگلستان موجود است. اوراق قرضه اجتماعی با هدف جلوگیری از ارتکاب مجدد جرائم زندانیان آزاد شده از زندان پیتربورو<sup>۳</sup> و اوراق قرضه برای بی‌خانمان‌های لندن<sup>۴</sup> دو نمونه از این اوراق هستند. در مورد کاوی زیر در مورد یکی از این ۳۲ نوع اوراق قرضه، توضیحاتی ارائه شده است (گزارش دولت انگلیس، ۲۰۱۶).

خیریه مشمول این قانون می‌شدند، اما پس از شکل گرفتن چارچوب قانونی شرکت‌های منفعت اجتماعی، آن‌ها نیز ملزم به رعایت این قانون شدند.

ثبت یک شرکت در چارچوب‌هایی که مشمول قانون قفل شدن دارایی می‌شوند، فرایندی برگشت‌ناپذیر است و به همین علت، گرچه سایر شرکت‌ها را می‌توان به شرکت منفعت اجتماعی تبدیل کرد، شرکت منفعت اجتماعی را فقط می‌توان به خیریه و یا شرکت منفعت اجتماعی دیگر تبدیل نمود. حتی در زمان منحل شدن شرکت منفعت اجتماعی، دولت سرمایه آن را به همین نوع از شرکت‌ها و یا به سازمان خیریه با هدف مشابه خواهد داد.

دولت انگلستان برای تسهیل در تأمین مالی شرکت‌ها و جوامع حاشیه‌ای، قانونی تصویب کرد که هر شرکتی در صورت سرمایه‌گذاری در مؤسسات مالی با هدف توسعه اجتماعی، تا سقف یک چهارم این سرمایه‌گذاری‌ها مشمول بخشیدگی مالیاتی خواهد شد. این قانون باعث می‌شود شرکت‌ها و افراد، در مؤسسات مالی که اهداف اجتماعی را پیگیری می‌کنند، سرمایه‌گذاری کنند. بخشودگی مالیاتی دولت در صورتی است که سرمایه‌گذاری در مؤسسات مذکور شرایطی خاص داشته باشد و تا پنج سال قابل نقد شدن نباشد. خرید سهام (غیرقابل نقد شدن تا پنج سال)، وام (اگر سررسید وام کمتر از پنج سال باشد، مقدار بخشودگی مالیاتی کمتر از ۲۵٪ خواهد بود) و سپرده‌گذاری پنج‌ساله در بانک‌های تعیین شده، از عمومی‌ترین مواردی است که شامل این بخشودگی می‌شود (گزارش دولت انگلیس، ۲۰۱۶)

## ۲-۱-۲-۲. اوراق قرضه با آثار اجتماعی

از سال ۲۰۱۳ اوراق قرضه برای اثرگذاری اجتماعی<sup>۱</sup> به وجود آمد تا کارآفرینان با اهداف اجتماعی، در تأمین مالی پروژه‌های عمومی با مشکلات کمتری روبه‌رو شوند. روش اجرا به این صورت است که مؤسسه ابتدا طرح توجیهی خود را برای رسیدن به آثار اجتماعی اعلام شده دولت به کمیسیون‌های (دولتی) مربوطه اعلام می‌کند. این طرح در این کمیسیون‌ها ارزیابی می‌شود و در صورت موافقت، اوراق قرضه مربوط به آن منتشر می‌شود و سرمایه‌گذاران با اهداف اجتماعی می‌توانند این اوراق را خریداری کنند. سرمایه جمع شده از فروش این اوراق صرف هزینه‌های اجرایی طرح می‌شود و در نهایت، با توجه به میزان آثار اجتماعی طرح، پرداختی دولت به سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد. در اصل، کارآفرین هیچ خطری نمی‌کند. تفاوت اصلی این اوراق با سایر اوراق قرضه دولتی سود متغیر آن‌هاست و برخلاف اوراق قرضه دولتی، که

2. Youth Engagement Fund

3. Peterborough Social Impact Bond: Propensity Score Matching methodology

4. [https://data.gov.uk/sib\\_knowledge\\_box/greater-london-authority-homelessness](https://data.gov.uk/sib_knowledge_box/greater-london-authority-homelessness)

1. Social impact bond (SIB)



چریتی<sup>۱</sup>، بانک یونیتی تراست<sup>۲</sup>، مؤسسه نورترن راک<sup>۳</sup> و اتحادیه مؤسسه‌های داوطلبانه<sup>۴</sup> برای اجرای آن برنده شدند و شرکت «آینده‌سازان»<sup>۵</sup> را بنا نهادند.

خدماتی را که شرکت «آینده‌سازان» عرضه می‌کند می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد که در زیر به آن‌ها اشاره شده است:

#### الف. تسهیلات مالی

۱) سرمایه‌گذاری کامل: وام‌های با مقدار بالاتر از ۵۰ هزار پوند که معمولاً هدیه و مشاوره تخصصی را نیز شامل می‌شود؛

۲) اعتبار برای سرمایه در گردش: وام‌های با حجم کمتر برای حل مشکل سرمایه در گردش شرکت‌ها؛

۳) وام مناقصه: وام‌های بدون سود برای کمک به شرکت‌های بخش سوم برای برنده شدن در مناقصه؛

۴) کمک به تشکیل کنسرسیوم: ترکیبی از وام و مشاوره برای تشکیل کنسرسیومی از بنگاه‌های اجتماعی تا بتوانند در مناقصه‌های بزرگ شرکت کنند؛

۵) تسهیلات مقاومتی: وام‌های بدون سود برای مقاوم‌سازی صنایع در زمان رکود اقتصادی.

#### ب. تسهیلات غیرمالی

۱- کمک به مؤسسات بخش سوم برای موفقیت در مناقصه‌ها؛

۲- تشکیل شبکه سرمایه‌گذاران خصوصی که قصد دارند در فعالیت‌های با آثار اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند؛

۳- مشاوره اقتصادی به همه پروژه‌هایی که شرکت «آینده‌سازان» از آن‌ها حمایت مالی می‌کند.

نکته قابل توجه، ترکیب شرکت‌هایی است که این وظیفه را برعهده گرفته‌اند. دولت این وظیفه را به بخش خصوصی واگذار کرده است تا علاوه بر کاهش فساد، از بزرگ شدن دولت جلوگیری کند. همچنین پروژه به‌اندازه‌ای بزرگ است که دو بانک، یک مؤسسه با سابقه در این زمینه و اتحادیه مؤسسه‌های بخش سوم در اجرای آن مشارکت می‌کنند (Community Interest Companies. Gov.uk., 2013).

#### ۲-۲-۲-۲- ایتالیا

بنگاه اجتماعی اجازه توزیع سود ندارد، به همین علت بنگاه به دنبال سود بیشتر نمی‌رود و به تأمین هزینه‌های خود اکتفا می‌کند

#### ۲-۲-۱-۳. قانون پرداخت هزینه فعالیت‌های با نتایج عمومی

رویکرد دولت انگلستان، واگذاری حجم عمده کارها به بخش خصوصی بوده است. در انگلستان، دولت خود را موظف به ارائه آموزش رایگان برای کودکان می‌داند؛ اما، دبستان‌ها را بخش خصوصی مدیریت می‌کنند و دولت هزینه این خدمات را به بخش خصوصی می‌پردازد. مشابه مدارس، اکثر خدمات حوزه آموزش، بهزیستی، کمک به اقشار کم‌درآمد و کمک به افراد دارای معلولیت به همین صورت انجام می‌شود. غالباً شرکت‌های خصوصی که این وظایف را انجام می‌دهند بخش سوم شناخته می‌شوند. در انگلستان قانون پرداخت به این فعالیت‌ها (فعالیت‌های با نتایج عمومی) تغییراتی داشته است که در ادامه بررسی می‌شود.

در گذشته، دولت انگلستان بودجه خود را صرف طرح‌های عمومی می‌کرد، طرح‌هایی که از تأثیر اجتماعی مثبت آن‌ها اطمینان داشت. این خدمات را مؤسسه‌های غیردولتی عرضه می‌کردند و هزینه این خدمات به ایشان پرداخت می‌شد. این روش جبران خدمات بخش خصوصی با عنوان «هزینه خدمت» شناخته شده است. رفته‌رفته و از اوایل دهه ۲۰۱۰، دولت انگلستان یک مدل جدید ارائه و اجرا کرد که پرداخت به بخش خصوصی، در قبال انجام فعالیت‌های با منافع عمومی، مبتنی بر نتیجه است که در ادبیات موضوع با عنوان «پرداخت به‌ازای نتیجه» شناخته می‌شود. این نوع از پرداخت در قیاس با حالت اولیه، فرصت بیشتری برای ظهور و بروز خلاقیت به شرکت می‌دهد. این مدل باعث افزایش کیفیت خدمات ارائه‌شده، شفافیت بیشتر بودجه و کاهش فشارهای مقطعی بر بودجه دولت شده است.

با مدل پرداخت به‌ازای نتیجه، نقش دولت در امور اجرایی کاهش می‌یابد اما نقش واسطه‌ای، تسهیل‌گری و نظارتی دولت بیشتر خواهد شد. برای اجرای مدل پرداخت به‌ازای نتیجه، دولت انگلستان گزارشی برای تخمین ارزش فعالیت‌های اجتماعی عرضه کرده است. مثلاً ارزش هزینه مالی و اقتصادی رفع محرومیت دائم از مدرسه، برای هر فرد در هر سال مؤثر برابر با ۱۱۰۰۰ پوند است. این گزارش برای ۶۰۰ فعالیت در حوزه‌های جرم و جنایت، سلامت، آموزش، بی‌خانمان‌ها، بیکاری و آتش‌سوزی هزینه مالی، اقتصادی و اجتماعی را تخمین زده است و دولت برای پرداخت به‌ازای نتیجه، بر اساس این جدول عمل می‌کند (گزارش دولت انگلیس، ۲۰۱۶).

#### ۲-۲-۱-۴. حمایت‌ها

در سال ۲۰۰۳ دولت انگلستان بودجه‌ای برای حمایت از بخش سوم در نظر گرفت که کنسرسیومی از چهار مجموعه بانک

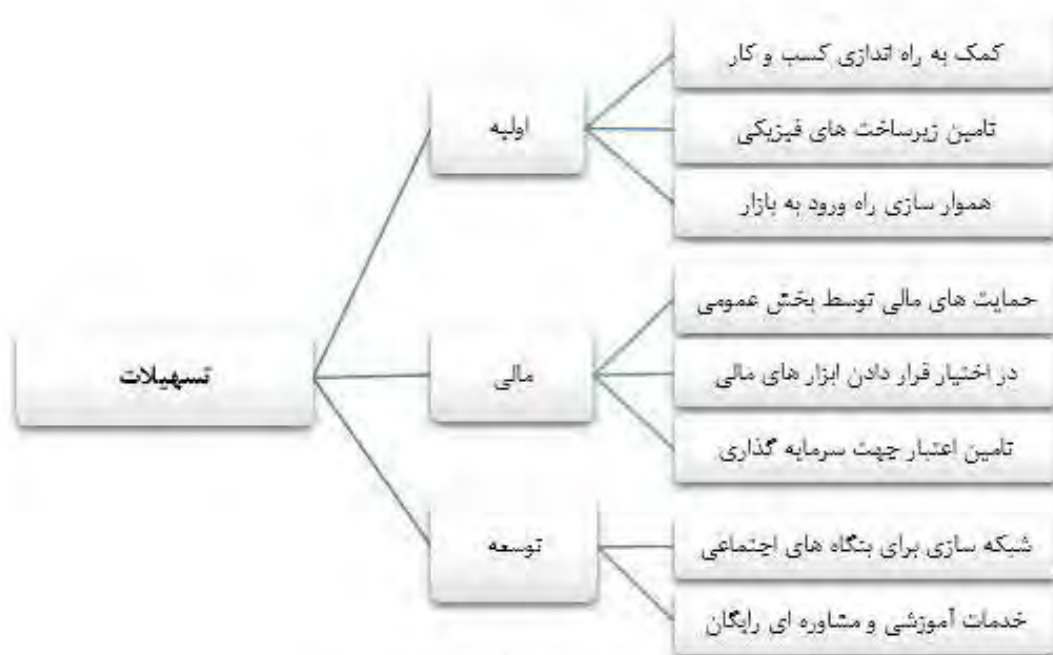
1. Charity Bank

2. Unity Trust Bank

3. Northern Rock Foundation

4. Voluntary Organizations

5. Future builders



شکل ۲: تسهیلات ارائه شده به بنگاه‌های اجتماعی

#### ۲-۲-۳-۱. پشتیبانی‌های عملیاتی

وزارت کار موظف است اطلاعات و مشاوره‌های تخصصی خود در زمینه‌های مدیریت، فناوری، مالیات، نیروی کار، حسابداری و ... را در اختیار بنگاه‌های اجتماعی قرار دهد.

#### ۲-۲-۳-۲. تسهیلات حمایتی

دولت ملی و دولت‌های محلی موظف‌اند با ارائه تسهیلات و کمک در راه‌اندازی فعالیت، بنگاه‌های اجتماعی را یاری کنند و زمین‌های دولتی و عمومی را در اختیار بنگاه‌های اجتماعی قرار دهند.

#### ۲-۲-۳-۳. پیش‌خرید محصولات به مسئولیت نهادهای عمومی

مسئولین نهادهای عمومی موظف‌اند بسته به نیاز خود، محصولات بنگاه‌های اجتماعی را پیش‌خرید کنند؛ تا هم مشکلات مالی بنگاه‌های اجتماعی برطرف شود و هم به آن‌ها در زمینه بازاریابی کمک شده باشد.

#### ۲-۲-۳-۴. مالیات

دولت باید در تمام انواع مالیات به بنگاه‌های اجتماعی تخفیف دهد؛ همچنین در حق بیمه‌های اجتماعی نیز مزایایی برای این بنگاه‌ها قائل می‌شود.

#### ۲-۲-۳-۵. حمایت‌های مالی

وزارت کار می‌تواند به بنگاه‌هایی که خدمات اجتماعی

و فقط اهداف اجتماعی خود را دنبال می‌کند. همچنین بنگاه باید برای تولید محصول خود دست به نوآوری بزند و با روش‌های کارآفرینانه، محصول خود را تولید کند. برخلاف تعاونی‌های اجتماعی که خدماتشان را فقط به اعضای خود محدود می‌کنند، بنگاه‌های اجتماعی به همه مردم خدمات می‌دهند. بنگاه اجتماعی موظف است صورت‌های مالی خود را منتشر کند؛ در صورت لزوم، فردی از بیرون برای نظارت بر عملکرد مالی بنگاه اجازه دسترسی به حساب‌ها را پیدا می‌کند. شفافیت اطلاعات و مشارکت تمام کارمندان در تصمیم‌گیری‌ها از ویژگی‌های بارز بنگاه‌های اجتماعی است (Edmiston, 2016)

#### ۲-۲-۳-۱. حمایت‌ها

تسهیلاتی که وزارت کار و تأمین اجتماعی، اتاق بازرگانی، صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا، دولت‌های محلی و غیره به بنگاه‌های اجتماعی می‌دهند در شکل ۲ آورده شده است. با توجه به تمایل دولت‌ها به ارائه خدمات اجتماعی بیشتر، اختصاص داشتن بخشی از درآمد مالیاتی کشور به انجام این امور، تمایلات سیاسی و حضور کم‌تعداد شرکت‌های تجاری برای رقابت در ارائه این خدمات، به نظر می‌رسد آینده تعاونی و بنگاه‌های اجتماعی در ایتالیا روشن و روبه‌پیشرفت باشد (Edmiston, 2016).

#### ۲-۲-۳-۳-کره جنوبی

می‌دهند در زمینه هزینه‌های نیروی کار، هزینه‌های اجرایی، هزینه‌های مشاوره‌ای و ... کمک مالی کند.

#### ۲-۳-۲-۶. گزارش کار

هر بنگاه اجتماعی باید سالانه، گزارشی از عملکرد تجاری، سود به‌دست‌آمده، تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و ... به وزارت کار ارائه کند.

وزارت کار مسئولیت آموزش و نظارت بر بنگاه‌های اجتماعی را به‌عهده دارد و در صورت نیاز می‌تواند از بنگاه مذکور گزارش و اطلاعات موردنیاز را درخواست کند (Bidet and Eum, 2011).

#### ۲-۲-۴-۲- بلژیک

در کشور بلژیک همه شرکت‌های تجاری، با رعایت شرایط زیر، شرکت با هدف اجتماعی محسوب می‌شوند:

- سهام‌داران (شرکا) باید بپذیرند که سود را تقسیم نکنند یا سود محدودی تقسیم شود. آن‌ها باید یک هدف اجتماعی مشخص را پیش ببرند؛

- هدف آن‌ها نباید برای شرکا منافع غیرمستقیم ایجاد کند؛

- بنگاه باید هر سال گزارشی از عملکردش را به‌منظور تحقق اهداف اجتماعی خود منتشر کند؛

- هر یک از کارمندان، یک سال پس از آغاز همکاری با شرکت، می‌تواند شریک محسوب شود؛

- هر یک از کارکنان که از شرکت خارج می‌شود باید از گروه شرکا نیز حذف شود؛

- در صورت انحلال شرکت، پس از آنکه بدهی‌های شرکت تسویه شد و مبالغ سرمایه‌گذاری شده به سهام‌داران برگردانده شد، دارایی‌های باقی‌مانده باید به یک انجمن یا یک شرکت دیگر با هدف اجتماعی تخصیص یابد.

بررسی قانون بلژیک در مورد ساختار حقوقی شرکت‌های با هدف اجتماعی نشان می‌دهد، اعمال قوانین سخت‌گیرانه از یک طرف و در نظر گرفتن مشوق‌هایی نظیر تخفیف‌های مالیاتی از سوی دیگر، موجب شد افرادی که تمایل داشتند اهداف اجتماعی را از طریق فعالیت‌های تجاری دنبال کنند برای انجام فعالیت‌های خود ذیل این ساختار، رغبتی نشان ندهند (Spear and Bidet, 2005).

#### ۲-۲-۵- اسپانیا

در این کشور بنگاه‌های اجتماعی که با عنوان حقوقی «تعاونی‌های اقدام اجتماعی» شناخته می‌شوند باید قوانین زیر را رعایت کنند:

- هیچ سودی تقسیم نمی‌شود؛

- نرخ سود سرمایه، محدود به نرخ‌های قانونی است؛

- هیئت مدیره هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کند؛

- دستمزد کارکنان تعاونی درصدی از دستمزد متعارف بازار است (Awasthi, 2015).

#### ۲-۲-۶- پرتغال

طبق قانون ۱۹۹۸ پرتغال، تعاونی‌های همبستگی اجتماعی موظف‌اند:

- نیازهای اجتماعی اعضای خود را برآورده کنند و اتحاد و همبستگی میان آن‌ها را ارتقا دهند؛

- با محرومیت مبارزه جدی کنند. این فعالیت‌ها صرفاً به توان‌بخشی معلولین محدود نمی‌شود بلکه شامل حمایت از سالمندان و محرومیت‌زدایی نیز می‌شود؛

- سود حاصل از فعالیت‌های بنگاه را به یک حساب ذخیره غیرقابل تقسیم منتقل کنند (Spear and Bidet, 2005).

#### ۲-۲-۷- هلند

برای فعالیت‌هایی خاص مانند فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، فعالیت‌های نوآورانه و توسعه‌ای تخفیف مالیاتی، کمک‌های مالی (کالا و خدمات) به گروه‌های حاشیه‌ای، اشتغال‌زایی برای افراد در مناطقی که بیکاری بالایی دارند و سرمایه‌گذاری در مناطق محروم قائل می‌شوند. به‌عبارتی، بنگاه‌های اجتماعی نیز مشمول تخفیف‌های مالیاتی خواهند شد (Awasthi, 2015).

#### ۲-۲-۸- دانمارک

این کشور برای رشد و توسعه بنگاه‌های اجتماعی خدمات زیر را ارائه می‌دهد:

مشاوره کسب‌وکار: این نوع خدمات از طریق مشاورانی باتجربه انجام می‌شود که در هفته ۱ تا ۲ روز در بنگاه فعالیت می‌کنند و برای توسعه و رشد کسب‌وکار به آن‌ها کمک می‌کنند.

آموزش: برگزاری کارگاه‌های آموزشی که در آن کار اجتماعی، استفاده از ابزارهای جدید برای توسعه کسب‌وکار و کسب دانش جدید در این زمینه آموزش داده می‌شود، از جمله آموزش و مشاوره درباره فروش و بازاریابی، دسترسی به مشتریان/بازارهای جدید و همکاری با مقامات محلی آموزش داده می‌شود.

شبکه‌ها: آموزش نحوه تعامل و شبکه‌سازی با سازمان‌های دیگر که می‌تواند به روند رشد و توسعه کمک کنند (Awasthi, 2015).

## ۲-۳. انواع حمایت‌ها از بنگاه‌های اجتماعی در سایر کشورهای اروپایی

- بالا بردن آگاهی، به اشتراک گذاشتن دانش، یادگیری متقابل؛
- خدمات تخصصی توسعه کسب‌وکار و پشتیبانی؛
- ابزارهای مالی اختصاصی (مثلاً صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی)؛
- زیرساخت‌های فیزیکی (مثلاً در فضای کار)؛
- همکاری و دسترسی به بازارها.

### ۲-۳-۱- بالا بردن آگاهی از طریق:

#### الف) برگزاری رویدادهای بنگاه اجتماعی

در بسیاری از کشورهای اروپایی رویدادهایی از قبیل کنفرانس‌ها، میزگردها و بحث و گفت‌وگو درباره بنگاه‌های اجتماعی یا کارآفرینی اجتماعی با هدف افزایش آگاهی و به‌کارگیری و اشتراک دانش برگزار می‌شود. مثلاً در کشور جمهوری چک سازمانی با عنوان «باشگاه کارآفرینان جوان» تشکیل شده است؛ این باشگاه هر سه ماه یک‌بار هم‌اندیشی‌هایی تدارک می‌بیند تا بنگاه‌ها/ کارآفرینان اجتماعی بتوانند از تجربه‌های هم استفاده کنند.

#### ب) راهنمای چگونگی راه‌اندازی شرکت اجتماعی

ج) فیلم مستند در مورد اقتصاد اجتماعی که به ترویج فرهنگ بنگاه اجتماعی کمک می‌کند

#### د) برگزاری مسابقه بهترین‌ها

برگزاری این نوع مسابقات به ایجاد فضای گفتمان و ترویج این مفاهیم کمک خواهد کرد. مسابقات «بهترین شرکت اجتماعی سال» در لهستان، «بهترین طرح کسب‌وکار اجتماعی» در لوکزامبورگ، «جایزه اثر اجتماعی» اتریش و «بهترین کارآفرین اجتماعی» در فرانسه از این نوع مسابقات‌اند.

## ۲-۳-۲- خدمات تخصصی توسعه کسب‌وکار و پشتیبانی‌های عمومی؛

گرچه این نوع حمایت‌ها به‌صورت گسترده وجود دارد، هنوز جهانی نشده است؛ نیازهای پشتیبانی عمومی از جنس همان نیازهای کسب‌وکارهای دیگر است، اما در کنار این پشتیبانی‌ها خدمات تخصصی دیگری نیز به بنگاه‌های اجتماعی داده می‌شود. در جمهوری چک، دولت برای حمایت از شرکت‌های اجتماعی به ایجاد شبکه ملی مشاوران محلی متخصص/ مربیان پرداخته است. این شبکه در زمینه‌های مختلف از جمله کسب‌وکار و حمایت‌های قانونی و ارائه خدمات مشاوره رایگان به

## شرکت‌های اجتماعی کمک می‌کند.

هدف دوم از این پروژه درک مفهوم شرکت اجتماعی و ایجاد مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای کمک به شناسایی شرکت‌های اجتماعی است.

در لهستان مراکزی با عنوان مراکز اقتصاد اجتماعی تأسیس شده‌اند که کارهایی از قبیل مشاوره، کمک به تأمین مالی، نظارت بر اجرای قوانین را به عهده گرفته‌اند.

### ۲-۳-۳- ابزارهای مالی اختصاصی

تخصیص صندوق انکوباتور اجتماعی. این صندوق برای کمک مالی به انکوباتورهایی است که به رشد بنگاه‌های اجتماعی کمک می‌کنند.

### ۲-۳-۴- زیرساخت فیزیکی

#### مدرسه کارآفرینی اجتماعی در اسلوانی

از جمله پشتیبانی با توسعه ایده کارآفرینانه اجتماعی، تحقیقات بازار، طرح کسب‌وکار، نظارت، پشتیبانی فنی، مشاوره مالی و حسابداری، مشاوره در مورد مکانیسم‌های مالی در دسترس (ارائه ایده کارآفرینی اجتماعی به سرمایه‌گذاران بالقوه).

#### انکوباتورهای اجتماعی

انکوباتورها در چند مرحله از کارآموزان حمایت‌های مختلف می‌کنند تا آن‌ها را به کارآفرین اجتماعی تبدیل کنند. «آکادمی کارآفرینی» کارگاه‌ها، هم‌اندیشی‌ها، کنفرانس‌ها و بازدیدهایی سازمان‌دهی می‌کند؛ دو مشاور کسب‌وکار هم روزانه توصیه‌های پایه‌ای می‌دهند.

سرمایه راه‌اندازی: کمک به استارت‌آپ بنگاه‌های اجتماعی با استفاده از جمع‌سپاری درآمدهای حاصل از کنفرانس‌ها، رخدادهای ورزشی و ... انجام می‌شود.

### ۲-۳-۵- دسترسی به بازار

دسترسی به بازار مناسب یکی از موانعی است که برای رشد بنگاه‌های اجتماعی وجود دارد؛ برای برطرف کردن این مشکل، یکی از راه‌حل‌هایی که استفاده می‌شود تهیه بیشتر اقلام و خدمات عمومی از بنگاه‌های اجتماعی است، مثلاً در اسلوانی کارهایی که مورد نیاز شهرداری است به بنگاه‌های اجتماعی سپرده می‌شود، با این شرط که حداقل ۱۰ درصد از کارکنان آن از افراد حاشیه‌ای باشند (European Commission, 2015).

## جمع‌بندی

در این مقاله سعی شد پس از بررسی مزایای بنگاه‌های اجتماعی، به مشکلاتی که چنین بنگاه‌هایی با آن درگیرند پرداخته شود. اگرچه این بنگاه‌ها مزایای فراوانی دارند، از جمله کارایی

- پس از راه‌اندازی این بنگاه‌ها، به چه شکلی می‌توان آن‌ها را کنترل کرد؛ به شکلی که نتوانند از اهداف اجتماعی خود عدول کنند و در واقع از نام اجتماعی بودن سوءاستفاده کنند؟

- دولت با چه برنامه‌ها و سیاست‌هایی می‌تواند این بنگاه‌ها را حمایت و برای آن‌ها تسهیل‌سازی کند؟

- با چه فرایندهایی می‌توان آثار اجتماعی بنگاه‌ها را ارزیابی کرد؟

- با توجه به اینکه سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی بنگاه‌های اجتماعی با توجه به مشکلات و وضعیت آن‌ها تدوین می‌شوند، با چه مکانیسمی می‌توان بنگاه‌هایی که ساختاری مشابه بنگاه اجتماعی دارند شناسایی و بررسی کرد؟

هرکدام از این سؤالات موضوعاتی هستند که محققان علاقه‌مند به این حوزه می‌توانند پژوهش کنند. سؤالات مطرح‌شده سؤالات بنیادی است که درباره بنگاه‌های اجتماعی مطرح‌اند و پاسخ به آن‌ها می‌تواند روند رشد بنگاه‌های اجتماعی و در نتیجه حل مسائل جامعه را آسان کند.

### منابع

- Alter, K. (2007). *Social enterprise typology*. *Virtue Ventures LLC*, 12, 1-124.
- Awasthi, D. (2015). *Social Enterprise An Overview Of The Policy Framework In India*, Overseas Development Institute, Social Enterprise UK
- Bidet, E., & Eum, H. S. (2011). *Social enterprise in South Korea: History and diversity*. *Social Enterprise Journal*, 7(1), 69-85.
- Borgo, S., (2016) *Building solidarity and social innovation: The experience of Italian social co-operatives*. *Spirito*, 78 – 00193 Roma Tel.: 39 06 6800476 – Fax: 39 06 68134057 federsolidarierita@confcooperative.it
- www.federsolidarierita.confcooperative.it @. (n.d.).
- Borzaga, C., Bodini, R., Carini, C., Depedri, S., Galera, G., & Salvatori, G. (2014). *Europe in transition: The role of social cooperatives and social enterprises*.
- Carter, T. S., & Man, T. L. (2008, October). *Canadian Registered Charities: Business Activities and Social Enterprise—Thinking Outside the Box*. In *National Centre on Philanthropy and the Law Conference*.

بالتر از بخش‌های دولتی، استفاده از نوآوری، حل مشکلات اجتماعی، استفاده از کارهای جمعی و مشارکتی و ...، با توجه به ساختارشان، چالش‌های زیادی نیز درباره آن‌ها وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود ساختار حقوقی مشخص برای این بنگاه‌ها، نبود قوانین برای کنترل و راستی‌آزمایی آن‌ها، فقدان سیاست و برنامه‌های حمایتی از این بنگاه‌ها اشاره کرد.

مفاهیمی همچون بنگاه اجتماعی، که در قالب مؤسسه‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی قرار می‌گیرند، با توجه به اینکه با اصول ایرانی-اسلامی ما قرابت زیادی دارد استفاده و گسترش روزافزونی در کشور ما پیدا کرده است؛ فرصتی که البته اگر به جنبه‌های مهم آن توجه نشود به تهدید تبدیل خواهد شد. نکته‌ای که باید در این خصوص به آن توجه کرد در نظرگرفتن وضع ساختار و قوانینی است که بتوان به کمک آن در چارچوبی مشخص و تعریف‌شده از این بنگاه‌ها حمایت کرد و از طرفی، بر آن‌ها نظارت داشت تا امکان سوءاستفاده از ویژگی اجتماعی بودن آن‌ها برای نیل به اهداف و منافع شخصی وجود نداشته باشد.

در این مقاله سعی شد تا این بنگاه‌ها در کشورهای دیگر از دو منظر بررسی شوند: ساختارهای حقوقی، قوانین و برنامه‌های مرتبط با این بنگاه‌ها.

در ساختارهای حقوقی به اشکال حقوقی مختلف که برای بنگاه‌های اجتماعی در کشورهای دیگر وجود دارد، پرداخته شد (شرکت منفعت اجتماعی، تعاونی اجتماعی و ...). اما در بخش دوم قوانین و برنامه‌های مرتبط که خود شامل قوانین تنظیم‌گری و برنامه‌های حمایتی هستند بررسی شدند.

بدیهی است نمی‌توان بدون توجه به ساختار قانونی و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بومی کشور از قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های سایر کشورها استفاده کرد. این مطالعه نیز با هدف آشنایی مخاطبان داخلی با مفهوم بنگاه اجتماعی و همچنین قوانین و سیاست‌های مرتبط با آن صورت گرفته است تا بتوان دید خوبی پیدا کرد از این بنگاه‌ها، چالش‌هایی که با آن سروکار دارند و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که سایر دولت‌ها برای رفع آن اتخاذ کرده‌اند. چالش‌هایی که درباره بنگاه‌های اجتماعی مطرح شدند موضوعاتی مهم‌اند که بررسی آن‌ها به دست محققان و پژوهشگران داخلی ضروری به نظر می‌رسد. این چالش‌ها را می‌توان در قالب چند سؤال مطرح کرد:

- با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، شاخص‌های بنگاه اجتماعی چه مواردی هستند؟
- با توجه به ساختار قانونی کشور ما اشکال حقوقی مناسب برای بنگاه‌های اجتماعی چه مواردی هستند؟
- بنگاه‌های اجتماعی در کشور ما باید در چه حوزه‌هایی فعالیت کنند؟

- Working Paper, Judge Institute of Management, University of Cambridge.
- Wilkinson, C., Medhurst, J., Henry, N., & Wihlborg, M. (2014). A map of social enterprises and their eco-systems in Europe. Executive Summary. *ICF Consulting Services, European Commission*, 1-16.
- Community Interest Companies. Gov.uk. N.p., 2013. Web. 5 June 2016.
- Community Interest Companies: Information for Funding Organizations. Gov.uk. N.p., 2016. Web. 5 June 2016.
- Dees, J. G., & Elias, J. (1998). *The Challenges of Combining Social and Commercial Enterprise. University-Business Partnerships: An Assessment* Norman E. Bowie Lanham, MD: Rowman
- Edmiston, Daniel. (2016). «The Italian Social Innovation Policy Agenda». *CRESSI Working Papers*.
- Fici, A. (2006, September). The new Italian law on social enterprise. In *seminar Emerging models of social entrepreneurship: possible paths for social enterprise development in central east and south east Europe*.
- Grenier, P. M. (2008). Role and significance of social entrepreneurship in UK social policy (Doctoral dissertation, *London School of Economics and Political Science* (United Kingdom)).
- Littlefield Publishers, Inc., (1994). *Business ethics quarterly*, 8(01), 165-178.
- National Equine Database Running Costs». (2016). Gov.uk. N.p., 2016. Web. 5 June 2016.
- OECD, (2014). The Social Enterprise Sector: A Conceptual Framework. Local Economic and Employment Development Program.
- Park, C., & Wilding, M. (2013). Social enterprise policy design: Constructing social enterprise in the UK and Korea. *International Journal of Social Welfare*, 22(3), 236-247.
- Social Impact Bonds». (2016).Gov.uk. N.p., 2016. Web. 5 June 2016.
- Spear, R., & Bidet, E. (2005). Social enterprise for work integration in 12 European countries: a descriptive analysis. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 76(2), 195-231.
- Thomas, A. (2004). The rise of social cooperatives in Italy. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 15(3), 243-263.
- Tracey, P., Haugh, H., & Phillips, N. (2004). From Isolated to Integrated: Community Enterprise as an Opportunity for Good Corporate Citizenship».